

کانون صنفی و مبارزات کارگران آموزش



امید خرم / فروردین ۱۴۰۱

اعضای کانون صنفی در تمام مصاحبه ها و سخنرانی هایشان آگاهانه واقعیت محرز کارگر بودن معلمان (کارگران آموزشی) را تحریف می کنند و از این رو است که از سخنرانی کارگران آموزشی و یا دیگر همزنجیران طبقه کارگر چون کارگران صنعتی یا خدماتی در تحصن (تجمع) کارگران آموزشی توسط لیدرهای کانون صنفی جلوگیری می شود. این موضوع از چشم کارگران آموزشی هم پوشیده نیست چنان که علاوه بر بعضی از سخنرانان شهرستانی که علنا بر همبستگی و اتحاد با دیگر بخش های کارگری تاکید می کنند، چند تن از معلمان شهرستانی (از استان های شمالی و خرم آباد) برای اعتراض به این شیوه و مشی بورژوازی کانون صنفی به تهران آمدند که از سخن رانی آنها جلوگیری به عمل آمد. کانون سخنرانی های محمد درخشش را در کانال صنفی معلمان گذاشت و با این کار می خواهد رزومه بورژوازی برای این بخش کارگری بتراشد. در مصاحبه ای که بدقی با یکی از اعضای حزب ایران (وابسته به جبهه ملی) انجام داده، تمام هم خود را بر آن گذاشته است تا هویت کارگر بودن معلمان و سهیم بودن آنان را در تولید ارزش اضافی منکر شود. بدقی همان کاری را می کند که بورژوازی در تکه تکه کردن جنبش کارگری کرده و می کند. در مصاحبه بخوبی روشن است که عضو حزب ایران کوشیده معلمان را از بدنه کارگری جدا و پیاده نظام حزب بورژوازی ایران کند. کاری که کاملاً در راستای اهداف کانون صنفی و منافع بورژوازی است. تجمع بازنشستگان کارگران آموزشی و... پذیرش نظام کار مزدی و تمکین به قانون سرمایه و تاکید بر مبارزه در چهار چوب سرمایه است و مفهوم واقعی این سخن این است که خواست و مطالبات معلمین از مرز قانون سرمایه فراتر نرود و به سخن دیگر می بایست خطوط قرمز را پاسداشت، با زبان تمنا و استغاثه و تکریم از بورژوازی چشمداشت ترحم داشت. تازمانی که به سرمایه به چشم دشمن طبقاتی نظر نداشته باشیم و با اتکا به نیروی خود به میدان پیکار در تقابل با سرمایه ر نخیزیم سرمایه مخالفی ندارد فقط برتجمع ها نظارت می کند که مبادا بطور خود جوش به شورش علیه سرمایه تبدیل شوند.

اما زمانی که کمی فراتر از زبان استغاثه خواستار آنچه سرمایه به اتکای قدرت دولت و نهادهای وابسته به دولت چون مجلس نیروی نظامی و... از پد اختیار کارگر خارج کرده است بخواهیم باز پس گیریم و خواستار کاهش ارزش اضافی ها و فراتر از آن تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود شویم، آنجاست که دولت سرمایه قشونی از نیروهای انتظامی و پاسداران سرمایه را برای مقابله با کارگران گسیل می دارد. در اینجا لازم

به ذکر است که کارگران مخابرات در تجمع اخیرشان کمی از شیوه تکدی گری و عجز و لابه در مقابل سرمایه فراتر رفته اند. حکومت سرمایه این رویکرد طبقه کارگر را که تا یک مبارزه آگاهانه و سراسری شورایی فاصله دارد بر نتابید. وحوشی از نیروهای موتورسوار انتظامی و پاسدار مسلح به مقابله بخش کوچکی از کارگران مخابرات و برای درهم کوبیدن آنان به میدان آورد. اگر بخش های دیگر کارگری به حمایت همزنجیران مخابراتی خود برخاسته بودند رژیم اسلامی سرمایه نمی توانست بسادگی کارگران مخابراتی را پراکنده کند.

بست نشینی در مقابل نهاد های سرمایه، نگاه بورژوایی است که طی این سال به عنوان شیوه تحقق مطالبات کارگری به طبقه کارگر حقه شد تا جایی که رژیم اسلامی سرمایه و فرمانده نیروی سرکوب، خطاب به کارگران مخابراتی می گوید به خانه برگردید و با نامه نگاری خواست خود را دنبال کنید. رژیم سرمایه با بست نشینی مخالف نیست بلکه از نارضایتی و خشم توده های کارگر از فقر و گرسنگی که رژیم اسلامی سرمایه باعث آن است وحشت دارد. جنبش کارگری ناگزیر است که ریل مبارزه را تغییر دهد. موضوعی که فعالین لغو کارمزدی بارها و بارها در مطالب خود بر آن تاکید کرده اند.

